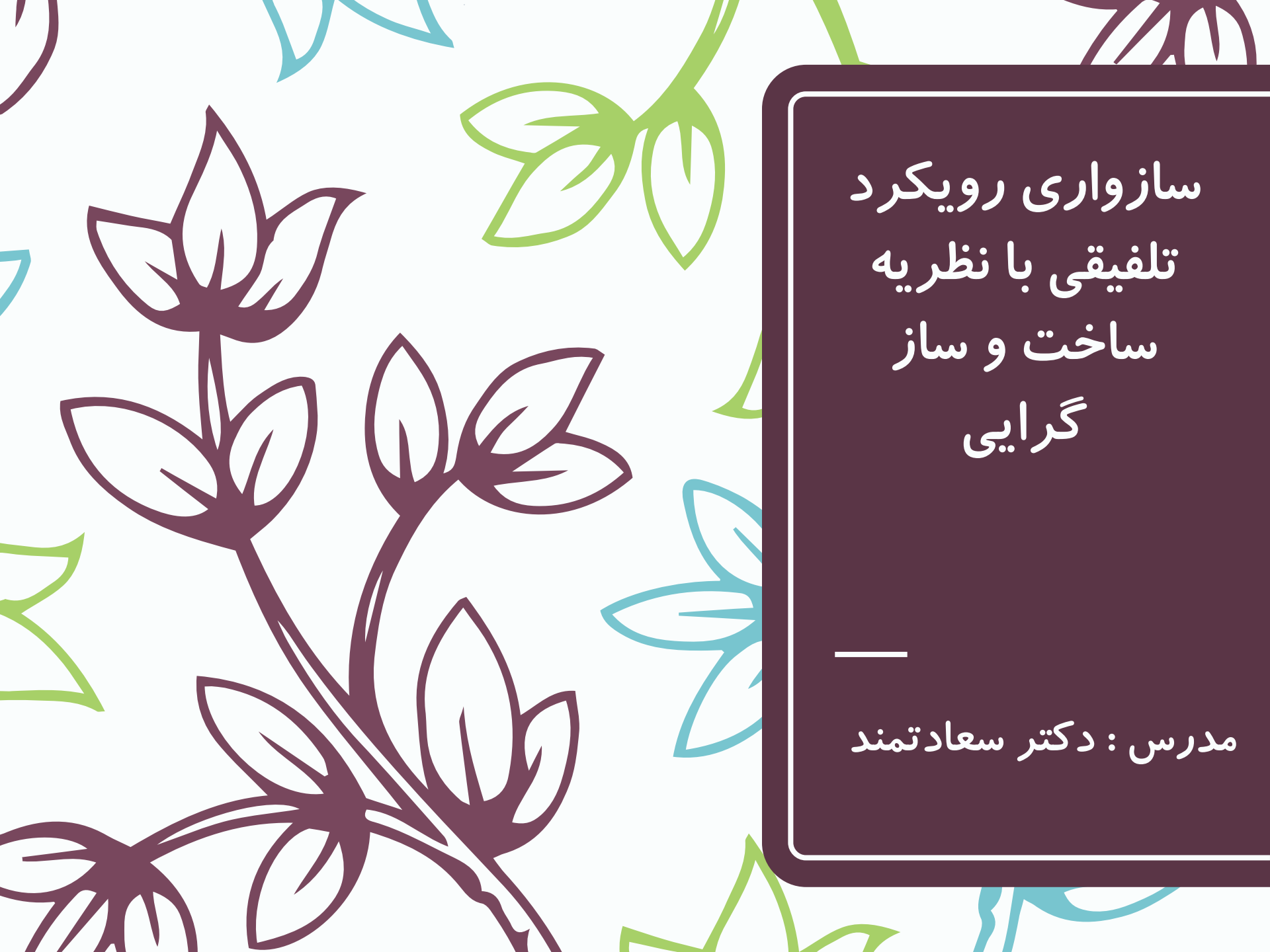




سازواری رویکرد تلفیقی با نظریه ساخت و ساز گرایی

مدرس : دکتر سعادت‌مند

سازواری رویکرد تلفیقی با نظریه ساخت و سازگرایی

بررسی تحلیلی نسبت میان رویکرد تلفیقی در برنامه ریزی درسی به عنوان یک بحث کانونی و محوری از یک سو با نظریه ساخت و ساز گرایی در یادگیری به عنوان یکی از انگاره های روز آمد یادگیری از سوی دیگر است .

نظریه ساخت و ساز گرایی

* یادگیرنده در فرایند یادگیری به ساخت و خلق دانش دست می زند و ضرورتاً اهداف و تجربیات یادگیری موردنظر برنامه ریزان و معلمان

، محقق نمی شود. (دکتر مهر محمدی، همین مقاله)

* ساخت گرایی یادگیری را فرایندی پویا و درونی میداند که در طی آن دانش آموزان به شکلی فعال و با ارتباط دادن اطلاعات جدید به آنچه آموخته اند دست به ساخت دانش زده و دریافت کننده منفعل اطلاعات بیرونی نیستند. (آقازاده، ۱۳۸۴)

* در نظریه ساخت گرایی پشتوانه یادگیری، تجارب مختلف و تعاملات اجتماعی است نه از بر کردن طوطی وار. (فردانش، ۱۳۸۲)

۱- آیا پذیرش نظریه ساخت و ساز گرایی در عرصه یادگیری به معنای فعال ما یشا دانستن یادگیرندگان در جریان تعلیم و تربیت است و ملازم با پذیرش رویکرد موسوم به کودک محوری در عرصه برنامه ریزی درسی است ؟

۲- آیا در ذیل نظریه ساخت و ساز گرایی یادگیری ،هر گونه کوشش از نوع برنامه ریزی موضوعیت خود را از دست داده و الزاما بایستی به انعطاف و آزادی مطلق دانش آموزان در تصمیم گیری رضایت داد ؟

۳- آیا در سایه التفات به نظریه ساخت و ساز گرایی باید از کوشش های تلفیقی به معنای رایج و متعارف آن دست کشید ؟

(کودک محوری : تلفیق از درون ، گفتمان رایج تلفیق : تلفیق از برون)

از سه منظر به سوالات پاسخ داده می شود :

۱- سنخ شناسی نظریه ساخت و ساز گرایی

۲- سنخ شناسی برنامه درسی

۳- تمایز میان مفاهیم :

(سازمان دهی تلفیقی برنامه درسی) و (تجربیات تلفیقی
یادگیری)

۱- سنخ شناسی نظریه ساخت و ساز گرایی :

گونه های سه گانه این نظریه عبارتند از :

الف (نظریه برون مرجع

ب (نظریه درون مرجع

پ (نظریه دیالکتیکی

الف (نظریه برون مرجع: (از جمله نظریه شناخت موسوم به پردازش اطلاعات)

*تمرکز این نظریه بر شیوه هایی است که افراد با استفاده از آنها به باز سازی حقایق جهان خارج می پردازند .

*بازسازی در این نظریه از طریق ساخت بازنمایی های ذهنی دقیق همچون طرح واره ها، شبکه گزاره ها یا قضایا و قواعد از نوع :
((شرط - کنش)) یا ((اگر - آن گاه)) انجام می گیرد .

(ب) نظریه درون مرجع : (ساخت و ساز گرایي شناختي)

*دانش جديد از دانش قبلي انتزاع مي شود و به هيچ عنوان حكم نقشه حقايق جهان خارج را ندارد .

*دانش جديد در جريان متحول شدن ساختار هاي شناختي قبلي و در راستاي هر چه هماهنگ تر شدن اجزا و مولفه هاي آن همچنين سودمندی بیشتر ، شكل مي گيرد.

(مانند نظريه تحول شناختي پياژه و مراحل رشد شناختي کودک
تعادل ذهني يا عدم تعادل ذهني در ساختار هاي شناختي پيشين
كودك و رشد ساختار هاي شناختي او)

پ (نظریه دیالکتیکی (ساخت و ساز گرایی اجتماعی)

*معرف وضعیت بینابینی در مقایسه با نظریه های درون مرجع و برون مرجع است.

*دانش براساس تعامل میان عوامل درونی (شناختی) و بیرونی (محیطی و اجتماعی) شکل می گیرد.

*مانند نظریه تبیین ویگوتسکی از تحول شناخت که بر مبنای آن شناخت از طریق درونی سازی و استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند زبان تحقق می یابد.

*مانند نظریه یادگیری اجتماعی باندورا

(تعامل متقابل یا طرفینی میان افراد(ساختار شناسی) ،رفتار ها و محیط تاکید دارد .)

*این نظریه با نظریه یادگیری وابسته به موقعیت هم خوانی دارد.

تفاوت سه نظریه ساخت و سازگرایی :

*تفاوت در زمینه ماهیت دانش و ملاک اعتبار آن است .

*نظریه برون مرجع : جهان خارج و پدیده های آن را به عنوان حقایق عینی ، شناخت پذیر می داند و ملاک اعتبار دانش درجه صحت یا تطابق با واقعیت های بیرونی است .

*نظریه درون مرجع و دیالکتیکی :

فرض جهان و پدیده های بیرونی قابل شناخت را مردود می داند و ملاک قضاوت درباره دانش، درجه صحت یا تطابق با واقعیت ها نیست، بلکه ساخت و سازها از نظر سودمندی ارزیابی می شوند .

رابطه میان رویکرد تلفیقی در برنامه ریزی درسی با نظریه ساخت گرایی

*برنامه ریزی درسی تلفیقی به شکل ویژه و جالب توجه با قرائت دیالکتیکی یا اجتماعی از نظریه ساخت و ساز گرایی و یادگیری وابسته به موقعیت هم خوانی دارد .

*زیرا :

۱) در نظریه دیالکتیکی شناخت و یادگیری محصول تمامی عوامل بیرونی و محیطی و عوامل درونی (فردی، ذهنی و شناختی) است.

۲) برنامه درسی خود یکی از اساسی ترین عناصر محیطی فرهنگی و اجتماعی است و در بعد تلفیقی در ساختن مجموعه یکپارچه و معنی دار از دانش توسط دانش آموز موثر است.

و از منظر یادگیری وابسته به موقعیت :

*برنامه درسی از مهم ترین عناصر زمینه ای است که یادگیری در آن رخ می دهد و کارکرد بستر سازی برنامه درسی برای یادگیری انکار ناپذیر است.

*برنامه درسی تلفیقی به عنوان یک عامل محیطی ، کارکرد بستر سازی برای تحقق یادگیری یکپارچه و معنی دار را از خود بروز می دهد .

*برنامه درسی در محوری از سازماندهی با عنوان تم(مضمون) به جای رویه سنتی موقعیت یادگیری را به موقعیت های واقعی نزدیک می کند.

۲- سنخ شناسی برنامه درسی

الف) ویژگی های برنامه درسی و آموزش هم سو با نظریه ساخت گرایی به نظر جوناسن صاحب نظر حوزه آموزش:

{ ۱-دستکاری فعال ۲-سازنده ۳-همکارانه ۴-هدفمند ۵-پیچیده ۶-زمینه ای

۷-محاوره ای ۸- تاملی }

ب) ویژگی های برنامه درسی و آموزش ناهمسو با نظریه ساخت گرایی

الف) ویژگی های برنامه درسی و آموزش هم سو با نظریه ساخت گرایی

۱) **یادگیری مستلزم دستکاری فعال است.** (اصل یادگیری در عمل دیویی)

در یادگیری، یادگیرندگان باید درگیر پردازش آگاهانه و فعال اطلاعات شوند و در مقابل نتایج و فعالیت ها پاسخ گو باشند.

(یادگیری مهارت های پیچیده در حوزه مورد علاقه)

۲) **یادگیری ساخته شدنی است.** یادگیرنده به ساخت معنا و مفهوم شخصی از پدیده ها می پردازد.

(دانش آموز آنچه را که خود می سازد می داند.)

۳) **یادگیری همکارانه است.** در این زمینه یادگیرندگان از موهبت کار و تفکر گروهی و مشارکتی استفاده می کنند.

(۴) یادگیری هدفمند است .

محیط یادگیری ساخت گرا فعالانه فرآیند درک و دریافت روشن از هدف های یادگیری است .

(۵) یادگیری با امور و مسائل پیچیده سرو کار دارد.

یادگیری ساخت گرا باید علاوه بر ساده سازی مسائل و ارائه آن به دانش آموزان را درگیر حل مسائل پیچیده نماید تا تلقی ساده انگارانه از محیط و پدیده ها نداشته باشد.

(۶) یادگیری زمینه ای است .

یادگیری معنا دار درک و فهم عمیق موضوعات و انتقال آموخته ها به موقعیت های جدید است ، به طوریکه تکالیف یادگیری در زمینه موقعیت های عملی و عینی زندگی قرار گیرد.

۷) یادگیری محاوره ای است.

یادگیری فرایندی اجتماعی و مبتنی بر گفت و گو است .
(تفاسیر گوناگون از مسائل و ارائه راه حل های مختلف)

۸) یادگیری تاملی است .

یادگیری باید در یادگیرنده سوالاتی ایجاد کند :

چه می کنم ؟

چه تصمیمی گرفتم ؟

از چه راهبردی استفاده کردم ؟

چه آموختم ؟

ب) ویژگی های برنامه درسی و آموزش ناهمسو با ساخت گرایي

• برنامه درسی ابزاری است که دانش قطعی و عینی را سازمان داده و در فرایندی منطقی و نظام مند به دانش آموز منتقل می کند .

- ذهن دانش آموز لوح سفیدی است که برنامه درسی به هر شکلی اراده کند بر آن می نگارد .
- اهداف از پیش تعیین شده اند.
- مبنای داوری درباره کارآیی فرآیند یاد دهی یادگیری همان میزان تحقق اهداف از پیش تعیین شده است.
- کارخانه تعلیم و تربیت و خط تولید محصولات
- دیدگاه فن آورانه برنامه درسی
- بدون مداخله دانش آموز و معلم در جریان یاد دهی - یادگیری
- بدون انعطاف در غایات و اهداف برنامه (با حاکمیت روح رفتار گرایانه)

الگوی برنامه ریزی تایلر ناهمسو با
نظریه ساخت گرایي است

ارائه ابزار راه یابانه و مفید heuristic

– برای پاسخ به سازو واری رویکرد تلفیقی برنامه درسی با نظریه ساخت گرایی نویسنده ماتریس دو در دویی طراحی نموده است:

ماتریس ۲×۲	همسو با مفروضات ساخت گرایی	ناهمسو با مفروضات ساخت گرایی
سازماندهی تلفیقی برنامه درسی	الف) رویکرد تلفیقی همسو با ساخت گرایی CIA	ب) رویکرد تلفیقی ناهمسو با ساخت گرایی NCIA
سازماندهی غیر تلفیقی برنامه درسی	ج) رویکرد غیر تلفیقی همسو با ساخت گرایی NICA	د) رویکرد غیر تلفیقی ناهمسو با ساخت گرایی NINCA

N(NON)
I(Integrated)
C(Constructivist)
A(Approach)

*علائق تلفیقی در طراحی برنامه درسی در صورتی که بخواهند با مفروضات ساخت گرایی همسو باشند:

باید به مثابه جهت گیری های ارزشمند تربیتی و آموزشی در نظر گرفته شوند که تحقق آنها با آزمون نتایج روشن گردد.

* این آزمون ضرورتاً از نوع **ارزیابی موسوم به دو رگه یا هیبرید** خواهد بود، که بر تجربیات قصد شده و قصد نشده تمرکز نموده و هر دو را مورد توجه قرار دهد.

توجه : غالب کوشش های به عمل آمده در راستای تلفیق برنامه درسی از جلوه های تلفیق ناهمسو با مفروضات ساخت و ساز گرایی است . یعنی نوع : NCIA

۳- تمایز مفاهیم سازماندهی تلفیقی برنامه درسی و تجربیات تلفیقی یادگیری

- تمایز قائل شدن بین این دو مفهوم امری ضروری است. دیویس (۱۹۹۷) در مقاله ای با عنوان طبیعت شخصی تلفیق برنامه درسی به این تفاوت اشاره کرده، او معتقد است :

- {سازماندهی تلفیقی برنامه درسی به طور اتوماتیک و تضمینی به تجربیات تلفیقی در یادگیری نمی انجامد .

- تجربیات یادگیری از دیدگاه ساخت گرایی امری فردی است که فاعلیت و عاملیت دانش آموز در آن نقش مهمی دارد.

- رعایت ساختار سنتی در برنامه درسی هم به معنای عدم تحقق یکپارچگی یا تلفیق تجربیات یادگیری نیست. (تلفیق غیر ارادی رخ می دهد) {

- بنابر این می توان نتیجه گرفت : سازماندهی تلفیقی برنامه درسی عاملی تسهیل کننده در ایجاد تجارب یادگیری یکپارچه است و توجه به آن ضروری است .